

متن پرسش

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّادِقِينَ. «یا اَبَاعَبْدِاللهِ اِنِّی سَلَمٌ لِّمَنْ سَالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَکُمْ اِلٰی یَوْمِ الْقِیَامَةِ» فرازی از زیارت عاشورا که اربعین سال پیش رهبر شهیدمان آن را مد نظر قرار دادند و ده دقیقه ای عمق معنای آن را با جوانان متذکر شدند. صحبتی مختصر ولی بسیار دقیق و بسیار مهم که شاید اهمیت این بیانات هنوز آنطور که باید درک و بازتاب داده نشده است. فرازی که موضع گیری ما در برابر جبهه حسینی و جبهه ظلم را مشخص می کند؛ جبهه حسینی که طبق بیان رهبری مسئله برای ایشان همواره ظلم و جور ظالمان و مبارزه با آن بوده است. در این فراز ابراز می کنیم که «در صلح با هر کسی که با جبهه شماسست و می جنگم با هر کسی که با جبهه شما در جنگ است». رهبری متذکر این نکته شدند که «این جنگیدن اشکال گوناگون دارد و حرب لمن حاربکم همیشه به معنای تفنگ به دست گرفتن نیست و در حوزه فرهنگی می توان از آن به درست اندیشیدن، درست سخن گفتن، درست شناسایی کردن و دقیق به هدف زدن تعبیر کرد». اینکه رهبری با این بیانات ادعیه امامان معصوم را در حوزه فرهنگ بسط می دهند نشانگر اهمیت حوزه فرهنگ و رسانه و جهاد تبیین در عرصه جنگ نرم در برابر دشمن در موقعیت کنونی است و می فرمایند «پس بدانیم که وظیفه چیست و بشناسیم راهی را که باید بپیماییم تا زندگی هدف و معنا پیدا کند». و اما نقطه عزیمت چیست؟ نقطه عزیمت تشخیص جبهه ظلم و جبهه حسینی در زمان ماست که بحمدالله کار سختی نیست و هر وجدان آزاده ای در جهان بعد از نسل کشی در غزه و تکه تکه کردن کودکان مدرسه شجریه طیبیه میناب و پیمان شکنی های دائمی شیاطین عالم، برایش امری عیان و آشکار است. آری گویی خداوند دارد حجت خود را بر بنده اش تمام می کند و سیاهی مطلق را در برابر سپیدی می گذارد و بنده اش را مجاب به انتخاب یکی از این دو کرده و راه بی طرفی را دانسته مسدود می کند! حال در حوزه فرهنگ فقط باید از خود بپرسیم جبهه ظلم کدام سبک زندگی را تبلیغ می کند و بگوییم یا ابا عبدالله من در جنگم با سبک زندگی که با سبک زندگی شما در تضاد است. یا ابا عبدالله جبهه ظلم و کفر بی بند و باری و برهنگی ما را می خواهد و شما عفت و پاکدامنی ما را. جبهه ظلم از طریق رسانه دنیا طلبی، خودخواهی، منفعت طلبی، بی عفتی، بی حیایی و خیانت و گناه را ترویج می دهد و جبهه حسینی اخلاص، فداکاری، تقوا، معنویت، ایثار و از خودگذشتگی را. جبهه ظلم در پوشش آزادی دارد سرخود عمل کردن و بی الگو زندگی کردن به هدف کامجویی هر چه بیشتر از دنیا را تبلیغ می کند و جبهه حسینی با ارائه سبک زندگی اولیاء الهی ما را به پیروی از این الگوهای انتخاب شده از سوی خداوند سوق می دهد. پس یا ابا عبدالله در جنگم با سبک زندگی و الگویی که جبهه ظلم ارائه می دهد و در

صلح با جبهه ای که سبک زندگی اولیای تو را ترویج می کند. جبهه ظلم می‌خواهد ما را غرق در امور ظاهری و تجملات کند و به جای رسیدن به گنج قناعت هر چه بیشتر حرص و طمع ما را ارضاء کند و جبهه حسینی با فرع دانستن امور مادی و ظاهری ما را به نظاره کردن کلبه کوچک حضرت فاطمه زهرا و علی (ع) وا می‌دارد و الگوی خوشبخت زندگی کردن و خوشبخت از دنیا رفتن را به ما نشان می‌دهد. پس یا ابا عبدالله در جنگم با جبهه ای که ما را به کور دلی و به ندیدن این کلبه ساده خوشبختی و سعادت می‌رساند. جبهه ظلم می‌خواهد ما را به منجلاط سطحی اندیشیدن بکشاند و سیره شما و اهل بیت شما عمیق اندیشیدن و با بصیرت عمل کردن را به ما نشان می‌دهد. پس یا ابا عبدالله در صلح با کسی که عمیق می‌اندیشد و به عمیق اندیشیدن دعوت می‌کند و در جنگم با کسانی که ما را به سطحی اندیشیدن و بی فکر عمل کردن وامیدارند. جبهه ظلم ما را بوسیله حربه ترس به پذیرش سازش و به هر قیمتی زنده ماندن محکوم می‌کند و جبهه حسینی ما را از زندگی پر ذلت می‌رهاند و با شعار «هیهاتَ مِنَّا الذَّلهُ» مرگ با عزت را به زندگی زیر بار ذلت ترجیح می‌دهد. شاید این بیان امام شهیدمان بیشتر از همه خطاب به سلبریتی های زمانه باشد که «پول و مقام و موقعیت اجتماعی حقیرتر از آنند که هدف زندگی قرار بگیرند». سلبریتی هایی که سکوت مرگبارشان در فاجعه کشتار کودکان معصوم مدرسه شجریه طویه میناب گوش زمین و زمان را کر کرد ولی به هنگام قصاص خائن به دین و آیین و ملت و وطن، باز روح لطیفشان جریحه دار می‌شود و کمپین اعدام نکنید راه می‌اندازند. پس یا ابا عبدالله در جنگم با کسانی که از ترس از دست دادن موقعیت اجتماعی و کم شدن فالورها و از ترس ناسزا شنیدن از طرف براندازان و جبهه ظلم، به هنگام ظلم و جنایت ظالمان و مستکبران کور و کر می‌شوند و با همین سکوتشان، کودک کشی این شیاطین عالم را توجیه می‌کنند و در صلح با کسانی که به قیمت بدنام شدن و مهر حکومتی خوردن و ناسزا شنیدن از طرف جبهه ظلم، فریاد اعتراض و انزجار از این کودک کشان ظالم مستکبر فاسق برمی‌آورند، قید موقعیت اجتماعی و این شهرت دنیایی زودگذر را می‌زنند و با همین بی طرف نماندن از امتحانات الهی زمان ما سربلند بیرون می‌آیند و به این ادراک رسیده اند که «در کربلا بی طرفان بی شرفانند». چرا که باز به بیان امام شهیدمان در آن سخنرانی ده دقیقه ای «هدف زندگی بندگی و رسیدن به خداست و راه آن فقط همین است که سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم!». خدایا در این راه ما را از سستی و تزلزل برهان. از حضورتان التماس دعا دارم استاد گرامی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: کربلا گرچه آغاز اصیلی بود که همه انتهای بشریت را در همان آغاز معنا کرد و از این جهت کربلا مربوط به انسان آخرالزمانی می‌باشد که بنا دارد نهایی‌ترین جواب‌ها را از صحنه کربلا بگیرد. حال مائیم و نسبتی که باید در رابطه با نهایت‌های خود در نسبت با نهایی‌ترین صحنه یعنی کربلا، خود را بیابیم و صحنه مقابله با باطل را در همه ابعاد آن که به خوبی متذکر آن شده‌اید در

جان خود ذیل کربلا تجربه کنیم و در این نکته، بسیار باید بیندیشیم که ما در کربلا و در نسبت با آن حضرت در چه انگیزه و مسئله‌ای هستیم که فردای خود را نیز در امروز بی‌جواب نگذاشته باشیم؛ آن‌طور که در جواب سؤال شماره ۴۲۱۱۵ ملاحظه خواهید کرد که ما فردایی داریم با سؤالات آخرالزمانی که تنها با نسبتی که با کربلا به وسعت همهٔ انسانیت می‌یابیم می‌توانیم جواب دهیم و حماسهٔ اربعینی این سال‌ها، آغازی است از آن حضور بیکرانۀ انسان‌ها در نزد خود به وسعت دیگر انسان‌ها. اخیراً در رابطه با «ایران دیگر و اربعینی دیگر» <https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۳۴۴۶> عرایضی شد که خوب است نظری به آن بیندازید. بنده به تاریخ به آینده‌ای می‌اندیشم که دیگر آینده جهان آمریکایی و سکولار نخواهد بود و اینجاست که باید جریان‌های انحرافی با سبکی که به میان می‌آوریم اولاً متوجه امیدواری ما به آن آینده بزرگ باشند و ثانیاً به پوچی راهی که پیشه کرده‌اند پی ببرند. این است سبکی که به کمک آن جهان دیگری آغاز شده و ادامه می‌یابد و البته این جدای آن نوع بزهکاری‌هایی است که عده‌ای با قصدی خاص مامور دامن زدن به آن زشتی‌ها هستند که هر دولتی نسبت به آن بزهکاری‌ها قوانینی دارد که آن را اعمال می‌کند. بحمدالله راهی گشوده شده است که هر روز شکستی بعد از شکست برای جبهه استکبار با همه آن امکاناتی که دارد در پیش است. موفق باشید